



ما می‌گوییم:

به نظر می‌رسد درباره این مسئله می‌توان گفت:

۱. درباره هر یک از نجاسات باید به صورت مستقل بحث را مطرح کرد و لذا بحث ما اینک درباره بول و غائط است

الف) برخی ادله‌ای که نجاست این دو را در موضوعات خود (مثل غیر پرندگان حرام گوشت) ثابت می‌کند، از چنان اطلاقی برخوردار نیستند که شامل این نجاسات در داخل بدن شوند.

چرا که در بسیاری از آنها، حکم به وجوب «غسل» (که از آن «حکم وضعی نجاست» را انتزاع می‌کنیم)، در صورتی ثابت است که آن نجاست زیر پا واقع شده است.

«وَعَنْ عَلِيٍّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ ابْنِ مُسْكَانٍ عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فِي الرَّجُلِ يَطَأُ فِي الْعَذْرَةِ أَوْ الْبَوْلِ أَوْ يُعِيدُ الْوُضُوءَ قَالَ لَا وَ لَكِنْ يَغْسِلُ مَا أَصَابَهُ»^۱

و در برخی از آنها حکم با فرض بول کردن که عملی خارج از ثابت شده است

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْعَلَاءِ فِي حَدِيثٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّبِيِّ يَبُولُ عَلَى الثَّوْبِ قَالَ تَصُبُّ عَلَيْهِ الْمَاءَ قَلِيلًا ثُمَّ تَعَصِرُهُ»^۲

و یا در برخی بحث اصابت به بدن و یا لباس مطرح است

«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنْ أَصَابَ الثَّوْبَ شَيْءٌ مِنْ بَوْلِ السَّنَوْرِ فَلَا تَصِحُّ الصَّلَاةُ فِيهِ حَتَّى يَغْسِلَهُ»^۳

۱. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۴۴، ح ۴۱۲۱

۲. همان، ص ۳۹۷، ح ۳۹۶۷

۳. همان، ص ۴۰۴، ح ۳۹۸۷



«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادٍ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ فِي حَدِيثٍ: أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَطِئَ عَلَى عَذْرَةٍ يَابِسَةٍ فَأَصَابَ ثَوْبَهُ فَلَمَّا أَخْبَرَهُ قَالَ أَلَيْسَ هِيَ يَابِسَةً فَقَالَ بَلَى فَقَالَ لَا بَأْسَ.»^۱

«وَرَوَى الشَّهِيدُ فِي الذِّكْرِ وَغَيْرِهِ عَنْ الْعِصِّ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَصَابَهُ قَطْرَةٌ مِنْ طَشْتٍ فِيهِ وَضُوءٌ فَقَالَ إِنْ كَانَ مِنْ بَوْلٍ أَوْ قَذَرٍ فَيَغْسِلُ مَا أَصَابَهُ.»^۲

و همچنین ادله وجوب استنجاء که غسل خارج از بدن را وارد واجب کرده است^۳

ان قلت: می‌توان از همین روایات الغاء خصوصیت کرد و اینکه حکم به وجوب تطهیر در فرض لگدمال شدن عذره شده است، حکم را به نحو مطلق در هر عذره‌ای ثابت کرد.

قلت: شاید بتوان گفت الغاء خصوصیت در چنین مواردی، عرفاً پذیرفته نیست

ب) اما در بسیاری حکم بر روی «عین عذره و بول» رفته است.

این دسته گاه دارای قرینه‌ای هستند که معلوم می‌کند، بول و عذره خارجی مراد بوده است

«دَعَائِمُ الْإِسْلَامِ، قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَوْلِ الصَّبِيِّ يَصْبُ عَلَيْهِ الْمَاءُ حَتَّى يَخْرُجَ مِنَ الْجَانِبِ الْآخِرِ.»^۴

ولی در برخی چنین قرینه‌ای در کار نیست مثل:

«وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى عَنْ فَارِسٍ قَالَ: كَتَبَ إِلَيْهِ رَجُلٌ يَسْأَلُهُ عَنْ ذَرْقِ الدِّجَاجِ تَجُوزُ الصَّلَاةُ فِيهِ فَكَتَبَ لَا.»^۵

و از جمله همین موارد است، روایاتی که حکم را به نحو مطلق روی ما لا یؤکل لحمه و یا یؤکل لحمه برده است.

«وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اغْسِلْ ثَوْبَكَ مِنْ أَبْوَالٍ مَا لَا يُؤْكَلُ لَحْمُهُ.»^۶

۱. همان، ص ۴۴۴، ح ۴۱۲۰

۲. همان، ج ۱، ص ۲۱۵، ح ۵۵۲

۳. ن ک: همان، ص ۳۴۶

۴. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۵، ح ۲۷۰۶

۵. وسائل الشیعة، ج ۳، ص ۴۱۲، ح ۴۰۱۷

۶. همان، ص ۴۰۵، ح ۳۹۸۸



«وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ أَنَّهُمَا قَالَا: لَا تَغْسِلُ ثَوْبَكَ مِنْ بَوْلِ شَيْءٍ يُؤْكَلُ لَحْمُهُ.»^۱

ج) اما در بسیاری از روایات حکم بر روی «ما یخرج» قرار گرفته است:

«مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي الْعِلَلِ وَ عِيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادِهِ الْآتِي عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّمَا وَجِبَ الْوُضُوءُ مِمَّا خَرَجَ مِنَ الطَّرَفَيْنِ خَاصَّةً وَ مِنَ النَّوْمِ دُونَ سَائِرِ الْأَشْيَاءِ ، لِأَنَّ الطَّرَفَيْنِ هُمَا طَرِيقُ النَّجَاسَةِ وَ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ طَرِيقُ تَصْيِيهِ النَّجَاسَةِ مِنْ نَفْسِهِ إِلَّا مِنْهُمَا فَأَمَرُوا بِالطَّهَارَةِ عِنْدَ مَا تُصَيِّهُمُ تِلْكَ النَّجَاسَةُ مِنْ أَنْفُسِهِمُ الْحَدِيثَ.»^۲

«وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ عَنْ النَّوْفَلِيِّ عَنْ السَّكُونِيِّ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَبِنُ الْجَارِيَةِ وَ بَوْلُهَا يُغْسَلُ مِنْهُ الثَّوبُ قَبْلَ أَنْ تَطْعَمَ لِأَنَّ لَبَنَهَا يَخْرُجُ مِنْ مِثَانَةِ أُمِّهَا وَ لَبِنُ الْغُلَامِ لَا يُغْسَلُ مِنْهُ الثَّوبُ وَ لَا بَوْلُهُ قَبْلَ أَنْ يَطْعَمَ لِأَنَّ لَبِنَ الْغُلَامِ يَخْرُجُ مِنَ الْعُضْدَيْنِ وَ الْمَنْكَبَيْنِ.»^۳

«وَعَنْ الْمُفِيدِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ عَمْرِو بْنِ سَعِيدٍ عَنْ مُصَدِّقٍ عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُلُّ مَا أَكَلَ لَحْمُهُ فَلَا بَأْسَ بِمَا يَخْرُجُ مِنْهُ.»^۴

۲. با توجه به صراحت روایت‌های دسته سوم ممکن است بتوان گفت حکم نجاست (و وجوب تطهیر) مربوط به ما یخرج است و این روایات مقید روایات دسته دوم است.
۳. و به همین جهت ملاقات با این امور، نمی‌تواند باعث نجاست شود
۴. اصف الی ذلک استدلال‌هایی است که مرحوم خویی درباره طهارت این صورت مطرح کردند.
۵. اما به نظر می‌رسد ارتکاز عرفی بین ملاقات شیء خارجی با عذر و بول در داخل شکم و بین ملاقات در خارج فرق نمی‌گذارد و به عبارت دیگر عنوان «ما یخرج» را قید غالبی به حساب می‌آورد و همچنین از عناوینی مثل اصابت به ثوب و یا لگد مال شدن الغاء خصوصیت می‌کند و لذا می‌توان گفت: یا حکم مربوط به ذات عذر و بول است و فرقی بین خارج و داخل نیست

۱. همان، ص ۴۰۷، ح ۳۹۹۷

۲. همان، ج ۱، ص ۲۵۱، ح ۶۴۷

۳. همان، ج ۳، ص ۳۹۸، ح ۳۹۷۰

۴. همان، ص ۴۰۹، ح ۴۰۰۵



و یا ادله حکم را صرفاً بر عذر عذریه و بول خارجی ثابت می‌کند ولی ارتکاز عرفی، بین این حکم و نجاست عذر و بول داخلی قائل به ملازمه است.

۶. و اما استدلال‌های مرحوم خویی نیز در این بحث قابل مناقشه است. چرا که «طهارت بلل خارج از مجرای بول» نهایتاً ثابت می‌کند که «بدن به سبب ملاقات با عذر و بول داخلی نجس نمی‌شود» و حال آنکه ارتکاز عرفی حکم می‌کرد به ملازمه بین «نجاست ملاقی با عذر و بول خارجی» و «نجاست چیزی غیر از بدن (که از بیرون وارد بدن شده است) با عذر و بول داخلی»

۷. و طبعاً احتیاط در نجاست اشیاء خارجی است که در داخل بدن با عذر و بول ملاقات کرده‌اند.